

عشق به خاطر اتحاد

اتحاد بستگی دارد به تمایل ما جهت عمل از روی عشق، حتی وقتی این کار بسیار سخت به نظر می آید.

اصول راهنما، سنت ۲، "اصول روحانی"

چرا عمل از روی، عشق گاهی این قدر سخت است؟ به نظر می رسد که تمرین اصل روحانی اتحاد در تمام امور زندگی - و در عین حال آن را با عشق انجام دادن - به نیروی مافوق بشری نیاز دارد. گاهی اوقات عمل از سر عشق سخت است زیرا آن شخص دوستی است که واقعاً در حق ما بدی کرده یا به کسی که دوست داریم آسیب رسانده است یا عضوی است که پول گروه را دزدیده یا دائم در حال شایعه پراکنی است یا تازه واردی است که به تازگی از بازپروری آمده و از اصطلاحات انجمن های دیگر استفاده می کند یا عضوی است که وقتی بعد از جلسه با دیگران برای شام به رستوران رفته ایم او با دهان پُر حرف می زند.

برخی اوقات دیگر از روی عشق عمل کردن چالش برانگیز است زیرا ما می دانیم که حق با ما است، با این حال گروه با این واقعیت غیرقابل انکار مخالف است. "چگونه ممکن است نیروی برتر جمعی ما، خود را از طریق این تصمیم مضحک ابراز دارد!" ما دوست داریم صندلی ها را پرت کنیم و از سر ناامیدی بزنیم زیر گریه.

واضح است که حواس پرتی ممکن است اجازه ندهد که عمل از روی عشق اولین واکنش ما در برابر مسائل باشد. خبر خوب این است که ما آموزش پذیر هستیم. ما می توانیم یاد بگیریم که با دیگران هم دلی کنیم، به وجدان گروه اعتماد کنیم و اشتیاق خود برای کنترل کردن همه چیز و همه کس را رها کنیم. هر قدر بیشتر بتوانیم این درس را جذب کنیم و عشق بدون شرط را تمرین کنیم، بیشتر رهایی از خشم و حق به جانب بودن را تجربه خواهیم کرد. سنت دو به ما خاطر نشان می کند که نیروی برتر خود را در وجدان گروه بیان می کند. ما شنیده ایم که اعضاء جهت حمایت از این ایده می گویند "ما یا از روی عشق عمل می کنیم یا از روی ترس." شاید هم همیشه به این سادگی نباشد، اما هر چه بیشتر رشد می کنیم بهتر درک می کنیم که اتحاد تا چه حد برای بهبودی ما ضروری است، برای همین تمایل پیدا می کنیم تا بررسی کنیم که اعمال ما با اصول روحانی مطابقت دارد یا خیر.

حتی در یک لحظه بحران عاطفی، می توانیم از خود بپرسیم آیا دارم از روی عشق

عمل می کنم؟ امروز من چند لحظه صبر می کنم قبل از اینکه بخواهم دهانم را باز

کنم یا دکمه ارسال را فشار دهم یا صندلی را پرت کنم.